

دستگیر نایل

فصلی از کتاب:

(پیاد داشت های پی از تاریخ)

ادامه ی « چشم دید ها و نظر ها »

در باره حکومت سختگیرانه ی دینی و طراز فاشیستی طالبان، دید گاههای متفاوت از جانب صاحب نظران و کارشناسان سیاسی و نظامی منطقه وجود دارد که یاد کرد هر کدام این دید گاه ها، هزاران کاغذ می خواهد. اینجا بخش هایی از نظر و دید گاه یک کارشناس کرد ایرانی را هم می خواهم به ادامه بیاورم (محمود کرد) در نشریه ی (کار) شماره 26 تاریخ 6 تیر سال 1980 زیر عنوان (مسأله افغانستان و چشم اندازها) مطلب جالبی نوشته است که نقل این مقاله در باره حکومت طالبان، قدرت



های بزرگ و همسایگان افغانستان، بسیار با اهمیت است او مینویسد: «هنگامیکه طالبان، پس از تصرف کابل، در سال 1996 راهی صفحات شمال افغانستان میشدند، استراتژیست های مستقر در اسلام آباد، و حامیان شان در پنتاگون و خلیج فارس، دستیابی به اهداف خود را قطعی می پنداشتند. اهدافی که برای رسیدن به آن، قبل از هر چیز یکسره شدن اوضاع در کابل، توسط نیروی مطمئن، شرطی ضروری بود. چیزیکه قبل از آن، با حضور حکومت اتلافی ربانی- احمد شاه مسعود، میسر نگردید. ائتلاف مذکور، بشدت در حال نزدیکی به روسیه، هندوستان و ایران از یکسو و جبهه گیری علیه پاکستان از سوی دیگر بود. و این امر، برای سیاست گزرازان امریکا و ائتلاف پاکستانی- عربستانی شان که با صرف صد ها میلیارد دلار کمک های مالی و نظامی و اعزام هزاران نظامی و غیر نظامی به افغانستان، سال ها تغییر سیاسی این منطقه بسیار حساس و مهم در آسیا را بسود خود، در دستور قرار داده بودند، قابل پذیرش نبود.

کشور ما با افغانستان، دارای مرزی طولانی است که از شمالی ترین نقطه ی آن از میان قبایل ترکمن تا جنوب که به قلب قوم بلوچ کشیده شده است، ادامه می یابد..... پس از سقوط دولت دوکتور نجیب الله، و روی کار آمدن حکومت اتلافی ربانی _

مسعود، .. جمهوری اسلامی ایران در تمام دوران این حکومت اتلا فی، از انجا بیکه به دولت مذکور وبخصوص شخص احمد شاه مسعود که با سرعت در حال نزدیکی به هند و روسیه بوده، اعتماد نداشت به جای حمایت وتشویق دولت مذکور در تعمیم قدرت سیاسی، از طریق ایجاد زمینه برای مشارکت هر چه وسیعتر اقوام وقبایل آن کشور در حکومت، با کوته بینی تمام با حمایت صرف از یک گروه مسلح شیعه بنام حرکت اسلامی وحتا تقویت گلبدین حکمتیار که در حال جنگ با ان حکومت بوده، عمق صحنه را به سیاستگزاران پاکستان سپرد. این مشی غیر مسولانه اگر چه پس از سقوط شهر مزار شریف، این مهمترین شهر شمال افغانستان که در واقع رهبران جمهوری اسلامی را شوکه نمود، مقداری تغییر نمود ولی هنوز این مواضع، تا اتخاذ یک سیاست روشن و اصولی، بسیار فاصله دارد.

دو کشور بزرگ روسیه و هندوستان، علیرغم اینکه هم مرز با افغانستان نیستند، ولی هر کدام بنا بر دلایل متعدد در این ارتباط، از حساسیت جدی و کافی برخوردار اند. هندی که سابقه ی دو جنگ با پاکستان را پشت سر دارند، بخوبی به عظمت طلبی زمامداران نظامی آنکشور، واقف اند. آنها دقیقا میدانند که در صورت تحقق طلبانی شدن افغانستان، این پاکستان است که مزرهای واقعی اش بیای سلسله ارتفاعات پامیر خواهد رسید. و در چنین صورتی، هندوستان یکی از اولین کشورهایی خواهد بود که باتوجه به اختلافات عیدیه اش، با انگشور در موقعیتی ضعیف قرار خواهد گرفت....»

افغانستان، از شمال، در همسایگی تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان واقع است. این دو کشور آخر، که یکی از عظیم ترین منابع نفت و گاز جهان را در اختیار دارند، مدت هاست جولانگاه کمپانی های چند ملیتی نفت و گاز جهانی اند. کمپانی های نفتی که در اینده ی نزدیک، در صدد صدور روزانه شش ملیون بشکه نفت از منطقه نفتی مذکور هستند، طبعا بیش از هر چیز، به امنیت تولید و صدور آن می اندیشند. لذا، حضور و تسلط طالبان بر مناطق مرزی این دو کشور، برای آنها، امری ضروری بوده است. همین کمپانیها بودند که با طرح اغوا کننده ی مساله، انتقال نفت و گاز این دو کشور را از طریق عبور خط لوله از خاک دو کشور پاکستان و افغانستان، که میتواندست ملیارد ها دلار راه، روانه ی اقتصاد بیمار دو کشور مذکور نماید، عمیقا مشوق طالبان و نظا میان پاکستان برای یکسره کردن هر چه سریعتر اوضاع در افغانستان شدند....» نویسنده در ادامه ی مقاله می افزاید:

«..... آنچه که فوقا اشاره رفت، ترسیمی خلاصه از اوضاع واهمیت افغانستان، برای امریکا و متحدان پاکستانی وشيوخ عرب خلیج فارس میباشد، افغانستان، زمانی رل ویتنام شوروی را بخوبی ایفا نمود. در ادامه نقش کشوری را میباید عهده دار میشد که در چهار چوب اهداف واشنگتن و اسلام آباد به عاملی جهت فشار، ایذا و در صورت لزوم، جنگ علیه کشور های دور و نزدیک همسایه گردد. که طبعا در این میان کشور ما، ایران با توجه به اهمیت آن برای غرب ونوع رابطه ای که امروز و فردا با غرب خواهد داشت، یکی از اهداف اصلی این استراتژی باشد. در راستای اهداف شمرده شده ی فوق، طالبان، با تکیه بر عقب مانده ترین تمایلات اقوام پشتون و با برداشتی بغایت ارتجاعی از اسلام، به رهبری شخصی بنام ملا عمر، که به سرعت خود را امیر المومنین خواند، با همراهی هزاران شبهه نظامی پاکستانی و عرب که بخش مهم آن تحت فرماندهی اسامه بن لادن ملیارد در عرب، کسی که

(سیای) امریکا و کشورهای عرب خلیج، در پروراندن نقش اصلی را داشتند، قرار داشت برای یکسره کردن اوضاع در افغانستان، تهاجم به آن کشور را در سال 1994 آغاز کرد.

طالبان که حاکمیت بر تمام کشور را به لحاظ قومی، از طریق تسلط اقوام پشتون بر سایر اقوام و قبایل غیر پشتون و از جهت مذهبی، بوسیله حاکم کردن فرایتن عمیقاً عقب مانده از اسلام، تعقیب میکردند، پس از موفقیت های برق آسا در جنوب و سقوط کابل، با کشتار و سرکوب وحشیانه هرگونه مقاومت، راهی مرزهای ایران و شمال شدند.... با دلایل پیروزی های سریع طالبان، جدا از کمک های مالی غرب و پاکستان، بدون شک خستگی مردم از تداوم جنگ داخلی در افغانستان، که اتفاقاً در دوره ی حکومت اتلافی ربانی_ مسعود و گلبدن حکمتیار به اوج خود رسیده بود، راه باید عمده ترین دلیل آن شمرده. این امر، بگونه ای بود که یکی از سیاست مداران غربی، در ارتباط با حکومت وقت گفته بود: « ما مشاهده کردیم کسیکه ما سالها او را بعنوان شیر پنجشیر و عقاب افغانستان می ستودیم، قادر به اداره کردن حتی یک مدرسه هم نبود...»

نویسنده سپس نتیجه گیری مینماید که « تفاوت بین علم رهبری یک جامعه با پیچیده گی هایش، و سازمان دهی یک سازمان پارتریزانی، همان راز بزرگی است که معمولاً همه گروههای از این دست در سراسر جهان، جدا از هر گونه تعلق سیاسی پس از رسیدن بقدرت، بدان پی میبرند. این امر بخصوص در مورد جامعه ای چون افغانستان که علیه غم ساختار قبیله ای اش طی چند دهه ی اخیر، چه در زمان حاکمیت ظاهر شاه و چه در دوره ای که حاکمیت در دست حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود، دچار تغییراتی جدی در راستای زنده گی شهر نشینی و مدرنیته شده بود، از اهمیت بیشتری برخوردار است. این تغییرات مهم، بخصوص طی دوره ی حاکمیت حزب دموکراتیک خلق، علی الرغم همه چی روی ها، در زمینه گسترش سیستم آموزشی و بهداشت کشور، مشارکت زنان در امور مختلف جامعه، رشد تکنولوژی، بروز روز افزون مظاهر شهر نشینی، شکلگیری سازمان های دولتی با معیار های کم و بیش امروزی، و موارد دیگر، بسیار قابل توجه بود. که این امر خود، بر پیچیده گی های آن جامعه افزوده است...».

نکته ی مهم در ارتباط با سیاست امریکا در قبال طالبان، ایران است. رابطه ی خصمانه میان دو کشور ایران و امریکا، نقش بسیار موه ثری در این رابطه ایفا میکند. تا زمانیکه تیره گی مناسبات سیاسی ایران و امریکا از بین نرود، بنظر نمیرسد که علی الرغم وجود برخی تناقضات بین سیاست گذاران امریکا و طالبان، واشنگتن هنوز راضی به کنار گذاشتن سیاست اولیه خود در قبال افغانستان باشد. آینده نشان خواهد داد که امریکا، تا کجا حاضر به مقابله با طالبان خواهد بود. برخی صاحب نظران امور منطقه، بر این باور اند که در واقع افغانستان، قربانی سیاست امریکا، در قبال ایران است...»

(ادامه دارد)

رفقا، دوستان عزیزتارنمای **وطندار** ! لطفاً نظرات، پیشنهادات، انتقادات، مقاله ها، نوشته ها، مضامین

و مطالب علمی و تحلیلی خود را جهت نشر به ادرس پوست الکترونیکی سایت بفرستید

admin@vatandar.at



مدیر مسوول : دیپلوم انجینر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز : انجینرنجیب یوسفی

کلیه حق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

برگشت به صفحه نخست

<http://www.vatandar.at/>

بقیه گزیده های مقالات دستگیر نایل

<http://www.vatandar.at/indexdenael3.html>